

حکمرانی مبتنی بر نظام سنن الهی (۲): چگونگی استنباط سنن الهی در نظام حکمرانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۷۵۱

کد موضوعی: ۳۵۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۲/۸

عنوان گزارش:

حکمرانی مبتنی بر نظام سنن الهی (۲):
چگونگی استنباط سنن الهی در نظام حکمرانی

نوع گزارش: طرح ولایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

نام دفتر:

مطالعات بنیادین حکمرانی (گروه الگوها و ابزارهای حکمرانی)

تهیه و تدوین:

علیرضا افضلی (هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع))

اظهار نظر کنندگان:

محمد عبدالحسین زاده (دفتر مطالعات مدیریت)،
سید احسان رفیعی علوی و علی عبدالاحد (دفتر مطالعات حقوقی)

ناظر علمی:

مهدی عبد الحمید

ناظر علمی بیرون از مرکز:

اکبر کاظم زاده

ویراستار ادبی:

زهره عطاردی

گرافیک و صفحه آرایی:

انسیه بهابزرگی

واژه‌های کلیدی:

۱. سنت پژوهی
۲. نظام سنن الهی
۳. منطق استخراج سنن الهی
۴. حکمرانی اسلامی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۰۳/۱۱



فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۸	۱. مقدمه.....
۱۱	۲. گام‌های سنت پژوهی.....
۱۲	۳. منبع کشف سنن الهی و منطق استخراج آنها.....
۱۲	۳-۱. منبع کشف سنن الهی.....
۱۶	۳-۲. منطق استخراج سنن الهی.....
۱۸	۴. نظام سنن الهی.....
۲۱	۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۲۲	منابع و مآخذ.....

فهرست نمودار

۲۰	نمودار ۱. نظام سنن الهی.....
----	------------------------------

فهرست جدول

۹	جدول ۱. پژوهش‌های مرتبط با سنن الهی در حکمرانی و قانونگذاری.....
---	--



حکمرانی مبتنی بر نظام سنن الهی (۲): چگونگی استنباط سنن الهی در نظام حکمرانی

چکیده



در ادامه گزارش پیشین که به تبیین جایگاه سنن الهی در عرصه حکمرانی پرداخته بود، این گزارش، به تبیین چگونگی کاربست سنن الهی در عرصه حکمرانی می‌پردازد. به عبارت دیگر، سؤال اصلی این‌گونه تعریف می‌شود که چگونه می‌توان از سنن الهی در عرصه حکمرانی استفاده کرد؟ در همین راستا، سنت‌پژوهی و گام‌های آن به عنوان رویکردی نو در استفاده از سنن الهی در عرصه حکمرانی ارائه شده است. سنت‌پژوهی بر پایه شناخت پدیده‌ها و تبیین آنها براساس سنن الهی و روابط علی- معلولی مبتنی بر آنها، تعریف می‌شود. سنت‌پژوهی به پژوهش درباره سنن الهی و کشف آنها، تبیین شرایط و چگونگی تحقق آنها، طبقه‌بندی آنها و تبیین چگونگی نحوه مراوده آنها با یکدیگر می‌پردازد و آنها را در جهت تحلیل و تبیین وقایع آینده معرفی می‌کند. در ادامه، منبع کشف سنن الهی و منطق استخراج آنها به عنوان چگونگی و شیوه کشف سنن مبتنی بر آیات و روایات بیان می‌شود. در نهایت نظام سنن الهی به منزله نگاه نظام‌مند به سنن الهی و با هدف استفاده از آنها در عرصه حکمرانی، تبیین می‌شود.



بیان/شرح مسئله

از آنجاکه سنن الهی، قواعد حرکت در این عالم را بیان می‌کنند، این نکته مورد تأکید قرار می‌گیرد که موفقیت در این عالم، در پرتو شناخت سنن الهی و حرکت مبتنی بر آنها میسر می‌شود و بدون در نظر گرفتن آنها، نمی‌توان این عالم را با موفقیت، در جهت دستیابی به هدف وضع شده برای آن، طی کرد. اهمیت شناخت این قوانین، در این است که می‌توانند نگرش حکمرانان را تصحیح کرده، پیش‌فرض‌های ذهنی آنها را بازسازی نموده، آنها را در مواجهه با مسائل گوناگون عرصه حکمرانی و کشورداری، توانمند سازند تا با دستیابی به قوانین درست‌تر و کلی‌تر، بهتر بتوانند به حل مسائل نظام حکمرانی بپردازند. بدیهی است که شناخت این سنن و حرکت براساس آنها، موفقیت در عرصه حکمرانی و تحقق اهداف را به‌خوبی تضمین می‌کند.

نقطه نظرات/یافته‌های کلیدی

در گزارش حاضر ابتدا، سنت پژوهی به‌عنوان روشی نو در کاربست سنن الهی در عرصه حکمرانی ارائه شده است. سنت پژوهی به پژوهش درباره سنن الهی و کشف آنها، تبیین شرایط و چگونگی تحقق آنها، طبقه‌بندی آنها و تبیین چگونگی نحوه مراوده این سنن با یکدیگر می‌پردازد و آنها را در جهت تحلیل و تبیین وقایع آینده معرفی می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، سنت پژوهی، روشی است در جهت حکمرانی براساس سنن الهی. در ادامه گام‌های سنت پژوهی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. در همین راستا و در جهت تحقق گام اول سنت پژوهی، منابع کشف سنن الهی مورد بحث قرار گرفته و همچنین منطق استخراج سنن الهی از منبع وحیانی با توجه به جهت کلی این پژوهش، ارائه شده است.

در جهت تحقق گام دوم و سوم سنت پژوهی، نظام سنن الهی به‌منزله نگاهی نو و نظام‌مند به سنن الهی و با هدف استفاده از این نظام برای تحلیل و تبیین پدیده‌ها در عرصه حکمرانی مورد بحث قرار گرفته است. این نظام در چهار سطح مطرح شده و بیان‌کننده این است که استفاده از سنن الهی در هریک از این سطوح، می‌تواند در تحلیل پدیده‌ها مفید واقع شود. اما حرکت از سطوح پایین‌تر به سمت سطوح بالاتر، بر جامعیت در تحلیل و تبیین دقیق‌تر پدیده براساس سنن الهی، می‌افزاید. به‌طور کلی دو وجه در طراحی این نظام لحاظ شده است: ۱. وجه طبقه‌بندی و جمع‌بندی سنن الهی در قالب یک نظام؛ ۲. وجه حل مسئله و تحلیل پدیده‌ها براساس سنن الهی.

تحلیل و تبیین سنن الهی در قالب نظام و به‌شکل کل‌نگر و نظام‌مند، سبب فهم دقیق‌تر آنها و ارائه تحلیل‌ها و تبیین‌های دقیق‌تر از مسائل عرصه حکمرانی براساس آنها می‌شود. زمانی می‌توان تحلیل‌های دقیق براساس سنن الهی ارائه داد که بتوان فهم دقیق و جامعی از نظام سنن الهی داشت. کافی است که بتوان سنن الهی مرتبط با مسئله و نظام حاکم بر آن را به‌شکل مناسب فهم و استخراج کرد؛ البته کشف و استخراج خرده سنت‌ها در سطح اول و تبیین هرچه دقیق‌تر آنها در قالب نظام در سطوح دوم و سوم نظام سنن الهی و به‌طور خاص، استفاده از سنن الهی در سطح سوم در حوزه‌های گوناگون حکمرانی، از کارهایی است که نیاز به تعمیق هرچه بیشتر در بحث سنن الهی داشته و درعین حال، کاری است زمان‌بر و همکاری تیم‌های مختلف پژوهشی را می‌طلبد تا بتوان آن را هرچه دقیق‌تر تکمیل کرد.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

فهم سنت‌های الهی در شناخت درست مسائل و تحلیل‌های کلان بسیار مفید و قابل استفاده است. کاربست رویکرد سنت پژوهی در عرصه حکمرانی در کنار سایر رویکردها، می‌تواند به حکمرانان، جامعیت در تحلیل و راه‌حل‌های دقیق‌تر از جنبه‌ها و ابعاد گوناگون برای حل مسئله ارائه دهد. برخی از پیشنهادها را به‌عبارت‌دیگر و کلان عبارتند از:

👉 مجلس شورای اسلامی با همکاری بازوی پژوهشی خود مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی باید خرده نظام‌های سنن الهی را شناسایی کند و جهت‌گیری‌های راهبردی و کلان که مؤثر بر تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف مجلس است را شناسایی کنند و در اختیار نمایندگان قرار دهند تا در بررسی طرح‌ها و لوایح مدنظر قرار دهند.

👉 از آنجاکه سنن الهی نشان‌دهنده نظام تدبیر خداوند در عالم خلقت هستند و عالم هستی براساس این نظام در حرکت است، جهت



توفیق در امر قانونگذاری و خط‌مشی‌گذاری و به‌طور کلی در عرصه‌های گوناگون حکمرانی، لازم است نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به جنبه‌های گوناگون مسئله و موضوع با تأکید بر نظام سنن الهی توجه داشته و هماهنگ با این نظام، فرایند قانونگذاری صورت گیرد. بدیهی است غفلت از این رویکرد و نظام سنن الهی در عرصه حکمرانی، این خطر را در پی دارد که بسیاری از جنبه‌های پدیده مورد بررسی، نادیده گرفته شوند.

✓ خرده نظام‌های مختلف سنن الهی در عرصه‌های مختلف شناسایی شوند و جهت‌گیری اصلی و کلان طرح‌ها و لوایح براساس این خرده نظام‌ها تحلیل شوند. مثلاً می‌توان با استخراج سنن مرتبط با رزق و برکت، لوایح و طرح‌های اقتصادی و ناظر به معیشت مردم مانند لوایح بودجه سنواتی را تحلیل و واکاوی کرد و مواردی که برخلاف سنت‌های الهی هستند، حذف کرد.

۱. مقدمه

در گزارش پیشین،^۱ سنن الهی به‌منزله نظام تدبیر خداوند و چگونگی جریان تدبیر او در عالم خلقت تبیین شد و چیهستی، انواع و ویژگی‌های آنها، در راستای استفاده و به‌کارگیری آنها در عرصه حکمرانی، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در بیان ماهیت آن به این نکته اشاره شد که سنن الهی، روش‌ها، رویه‌ها و قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده و از طریق آنها، تدبیر خود را در عالم خلقت جاری می‌سازد.

سنن الهی، قواعد حرکت در این عالم را طراحی کرده و نشان می‌دهند که موفقیت در این عالم، در پرتو شناخت سنن الهی و حرکت مبتنی بر آنها میسر می‌شود و بدون در نظر گرفتن آنها، نمی‌توان این عالم را با موفقیت، در جهت دستیابی به هدف وضع شده برای آن، طی کرد. اهمیت شناخت این قوانین، در این است که می‌توانند نگرش حکمرانان را تصحیح کرده، پیش‌فرض‌های ذهنی آنها را بازسازی نموده، آنها را در مواجهه با مسائل گوناگون عرصه حکمرانی و کشورداری، توانمند سازند تا با دستیابی به قوانین درست‌تر و کلی‌تر، بهتر بتوانند به حل مسائل نظام حکمرانی بپردازند. بدیهی است که شناخت این سنن و حرکت براساس آنها، موفقیت در عرصه حکمرانی و تحقق اهداف را به‌خوبی تضمین می‌کند.

به‌دنبال تبیین چگونگی کاربرست سنن الهی در عرصه حکمرانی، ناظر به گزارش پیشین، چارچوب روش‌شناسی سنت‌پژوهی پیشنهاد می‌شود. سنت‌پژوهی برپایه شناخت پدیده‌ها و تبیین آنها براساس سنن الهی و روابط علی و معلولی مبتنی بر آنها، تعریف می‌شود. سنت‌پژوهی به پژوهش درباره سنن الهی و کشف آنها، تبیین شرایط و چگونگی تحقق آنها، طبقه‌بندی آنها و تبیین چگونگی نحوه مراده این سنن با یکدیگر می‌پردازد و آنها را در جهت تحلیل و تبیین وقایع آینده معرفی می‌کند. مزیت مهم این روش‌شناسی، جامعیت در تحلیل است. به‌عبارتی، در این روش‌شناسی، همه سنن الهی مرتبط با موضوع، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

در مورد امکان‌پذیری سنت‌پژوهی در عرصه حکمرانی، باید گفت که با توجه به بحث مفصلی که در ویژگی‌های سنن الهی با عنوان قوانین و قواعد عامی که بر سنن الهی حاکم است، تا حدی این مطلب قابل فهم می‌باشد. به‌عبارت دیگر از آنجاکه سنن الهی حتمی و قطعی بوده و با توجه به عمومیت و استمراری که در سنن الهی وجود دارد و همچنین تبیین شدن آنها توسط خداوند متعال و ویژگی یادگیرندگی آنها، می‌توان براساس سنن الهی، تبیین و تخمین دقیق‌تری از پدیده و آینده آن داشت. البته این به‌شرطی تحقق پیدا خواهد کرد که بتوان فهم دقیقی از شرایط ویژه و چارچوب خاص تحقق هریک از سنن الهی را داشت. یعنی باید بتوان، سنن الهی را با شرایط و مقدمات تحقق آنها به‌شکل دقیق تبیین کرد. ناظر به ساختار سنن الهی در قالب سنت‌های مطلق و سنت‌های مقید و همچنین ویژگی عدم تنافی سنن الهی با اختیار انسان نیز می‌توان، حوزه اختیار و به‌دنبال آن، محدوده تصمیم‌گیری حکمرانان را

۱. گزارش «حکمرانی مبتنی بر نظام سنن الهی ۱. چیهستی سنن الهی و ضرورت کاربرست آن در نظام حکمرانی» با شماره مسلسل ۱۸۵۴۷-

به خوبی مشخص کرد.

در گزارش حاضر ابتدا، گام‌های سنت‌پژوهی به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه منبع کشف سنن الهی و منطق استخراج آنها به عنوان چگونگی و شیوه کشف سنن مبتنی بر آیات و روایات بیان می‌شود. در نهایت نیز نظام سنن الهی به منزله نگاه نظام‌مند به سنن الهی و با هدف استفاده از این نظام در عرصه حکمرانی، تبیین می‌شود.

۱-۱. پیشینه پژوهشی و تقنین

موضوع سنت‌های الهی تاکنون در پژوهش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و آثار پژوهشی زیادی در این عرصه وجود دارد. بررسی کاربردی سنن الهی در نظام قانونگذاری به صورت تخصصی تاکنون در آثار به آن پرداخته نشده است. در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان «حکمرانی مبتنی بر نظام سنن الهی ۱». چستی سنن الهی و ضرورت کاربردی آن در نظام حکمرانی^۱ به این موضوع پرداخته شده است. برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با این موضوع در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. پژوهش‌های مرتبط با سنن الهی در حکمرانی و قانونگذاری

عنوان	نویسنده	خلاصه
تبیین تأثیر و نقش سنت ابتلا و امتحان الهی در برنامه‌ریزی	روح‌الله نوری	بررسی برخی تأثیرات عمومی‌ترین سنت (ابتلا و امتحان) در مباحث مدیریت به خصوص برنامه‌ریزی
مدیریت اسلامی، مدیریت مبتنی بر سنت‌های الهی، مورد مطالعه: سنت رزق	علیرضا افضلی	تعریف سنن الهی و بررسی سنت الهی رزق به عنوان یکی از شاخصه‌های مدیریت اسلامی
سنت‌پژوهی؛ رویکردی نوین به آینده‌پژوهی مهدویت	علیرضا افضلی، علی‌اصغر پورعزت، غلامرضا گودرزی	معرفی روش تحقیق سنت‌پژوهی به عنوان روشی جدید در آینده‌پژوهی و معرفی سنن الهی به عنوان یکی از منابع استخراج قوانین هستی
سنت‌های الهی در قرآن، منطق استخراج، حوزه‌های تأثیر و ویژگی‌ها	تورج روحانی	ارائه تحلیل در خصوص مفهوم سنت و هدف کلان سنت‌های الهی، ارائه منطق استخراج سنن الهی و در نهایت تبیین حوزه‌های تأثیرگذاری سنت‌ها
سنت‌های الهی دنیوی ناظر به سرانجام انحرافات اخلاقی از دیدگاه قرآن	سجاد عرفان	ارائه نگرشی نو شامل سه مرحله شروع، تداوم و انحرافات اخلاقی در خصوص سنت‌های الهی ناظر به انحرافات اخلاقی براساس آیات قرآن کریم
سنت الهی و قلمرو کیفر گروهی	مرضیه محمص	بررسی و تبیین سنن الهی در ارتباط با گروه‌ها و جوامع بشری و همچنین شرایط و علل کیفر انسان‌ها به صورت گروهی
مهدویت و سنت‌های رهبری الهی در قرآن	محسن اراکی	بررسی غیبت براساس سنت‌های تاریخی با تبیین سنت‌های مرتبط با رهبر و جامعه شامل امامت مستمر، جانشینی الهی با آغاز فردی و انتهای جمعی، سنت حضور و سنت غیبت رهبری
قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر؛ استدراج و مکر ظریف	محمد محمدی‌گیلانی	بررسی سنت الهی استدراج و نقش آن در جوامع بشری
کارآمدی سنت‌های اجتماعی قرآن	قدرت‌الله قربانی	تبیین سنن الهی و مقایسه سنت‌های الهی ناشی از اعمال مثبت و منفی جوامع و نقش آن در سعادت بشر

1. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1754206>.



عنوان	نویسنده	خلاصه
مهدویت و سنت‌های الهی در قرآن	مهناز فرهمند	بررسی پیوند سنن استخلاف، امتحان، تمحیص، استدراج و املا با اصل مهدویت، غیبت و ظهور و انتظار حضرت حجت
بررسی وجوه اشتراک و تمایز «سنت‌های الهی در قرآن» و «اندیشه ناتورالیسم» و آثار هریک بر دانش اقتصاد	جواد ایروانی	بی‌تردید علوم انسانی و از جمله دانش اقتصاد، برپایه مجموعه‌ای از مبانی جهان‌بینی و انسان‌شناختی بنا شده و مبانی مکتبی، برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های اقتصادی نیز متأثر از مبانی یاد شده است. در مکتب سرمایه‌داری، براساس اندیشه دنیسم و اصل ناتورالیسم، هرگونه نقش و دخالت پروردگار در امور تکوینی و تشریعی نفی شده و چنین فرض شده که خداوند طبیعت را چنان قانون‌مند آفریده که به‌صورت خودکار به حیات خود ادامه می‌دهد. رهاورد رویکرد یاد شده، آزادی اقتصادی، تعادل خودکار، عدم مداخله دولت و لیبرالیسم اقتصادی بوده است. از نگاه طرفداران این اندیشه، مکانیسم بازار، بدون نیاز به هیچ نیروی خارجی ماورایی یا زمینی به تعادل خودکار می‌انجامد که بهترین وضع ممکن است و هر نوع مداخله‌ای، صرفاً به‌دور شدن از وضع بهینه منجر خواهد شد.
آشنایی با سنت‌های الهی در قرآن کریم (سنت استدراج)	جعفر وفا	هدف اصلی پژوهش حاضر این است که به واکاوی سنت استدراج از منظر قرآن بپردازد. پس از مفهوم‌شناسی، گام نخست این واکاوی تبیین قرآنی سنت استدراج و تعیین قلمرو و ابعاد آن با استناد به آیات قرآنی است. در گام دوم موضوع از منظر روایات اسلامی بررسی می‌گردد و سیره و سنت پیشوایان معصوم در این بابت به تمصیر کشیده می‌شود. در گام سوم فلسفه سنت فراگیر استدراج توضیح داده شده، مواردی از آنها مانند انتقام و سلب توفیق، تجسم بخشیدن به بازتاب گناه و غافلگیری شادان سرمست بازشماری می‌شود.
شبکه معنایی سنن الهی در قرآن کریم	فاطمه‌سادات نیک‌زاد الحسینی	تحقیق حاضر در نظر دارد با بررسی روابط معنایی واژگان سنت‌های الهی با تکیه بر روش حوزه‌های معنایی گامی نو در جهت شناخت سنت‌های الهی در گستره قوانین حاکم بین خدا و انسان بردارد.

گفتنی است، پژوهش حاضر مر تبط با قوانین و مقررات نیست و به این دلیل پیشینه قوانین مر تبط ندارد. با بررسی پژوهش‌های گذشته، نوآوری اصلی پژوهش حاضر این نکته است که تلاش می‌کند با بررسی نظام‌مند سنن الهی و روش شناسایی آنها، راهکار و سازوکاری برای کاربر است این آموزه‌ها در عرصه حکمرانی و قانونگذاری ارائه دهد.

۲. گام‌های سنت پژوهی

سنت پژوهی، مستلزم پیمودن چند گام است که در ادامه توضیح داده می‌شود.

گام اول: جمع‌آوری و احصای کامل سنن الهی و ویژگی‌های هریک از آنها

در گام اول، باید تلاش کرد تا سنت‌های الهی، به‌طور کامل احصا و جمع‌آوری شوند. در این گام باید تبیینی کامل و دقیق از چارچوب و شرایط خاص تحقق هریک از سنن الهی ارائه شود. البته در این گام، باید دو نکته را مدنظر قرار داد که در ادامه تبیین می‌شود: منبع کشف سنن الهی و روش جمع‌آوری آنها.

گام دوم: طبقه‌بندی سنن الهی

بعد از کشف و احصای کامل سنن، باید سنت‌ها را طبقه‌بندی کرد. تبویب سنن و شکل‌دهی شبکه سنن در این گام صورت می‌گیرد. بعد از کشف سنن، یک سری از قوانین و قواعدی شناسایی می‌شوند که به‌نظر می‌رسد، پراکنده‌اند ولی دارای نظم هستند که باید این نظم را کشف کرد. در همین راستا توجه به سؤالات زیر بسیار مهم است:

- الف) چگونه می‌توانیم این سنن را طبقه‌بندی کنیم؟
- ب) چگونه می‌توانیم سیستم حاکم بر این سنن را به‌دست آوریم؟
- ج) آیا می‌توانیم یک وجه جمعی بین سنن کشف کنیم؟
- د) آیا می‌توانیم این سنن گوناگون را به سنت‌های کلان‌تر تقلیل دهیم؟
- ه) آیا می‌توانیم به یک «ام‌السنه» و یا «برسنت» برسیم؟

گام سوم: کشف و تبیین نظام حاکم بر سنن الهی و تبیین نحوه تعامل و مراوده سنن با یکدیگر

بعد از احصای سنن و طبقه‌بندی آنها، باید موارد زیر بررسی شود:

- الف) آیا این سنن با هم ارتباط دارند؟
- ب) آیا این سنن با هم در تعارضند؟
- ج) چه ارتباطی بین این سنن وجود دارد؟
- د) چگونه می‌توان ارتباط و نحوه تعامل بین سنن را تبیین کرد؟

یکی از ویژگی‌های مهم سنن الهی، این بود که برخی از آنها ممکن است بر برخی از سنن دیگر حاکم باشند، که البته این به‌معنای تبدیل و تحویل نیست؛ بلکه حاکم بودن، مقوله دیگری است.^۱ ممکن است دو سنت وجود داشته باشد که یکی بر دیگری (با توجه به شرایطی)، حکومت داشته باشد و در پرتو آن فهم شود. لذا لازم است به‌دقت، رابطه بین سنن را تبیین کرد.

گام چهارم: تطبیق نظام به‌دست آمده بر روی مصداق‌های عینی گذشته

در این گام، باید نظام به‌دست آمده از سنن الهی را بر روی مصداق‌های گوناگونی که در گذشته اتفاق افتاده است، تطبیق دهیم تا بتوانیم هرچه بهتر، نظام به‌دست آمده را محک بزنیم و جوانب متنوع آن را بهتر کشف کنیم. همچنین این کار باعث می‌شود، مهارت در تبیین و تحلیل وقایع اتفاق افتاده، افزایش یابد و براساس آن، بتوانیم فهم بهتری از نظام سنن و نحوه تعامل سنن با یکدیگر را داشته باشیم. نتیجه این کار، فهم عمیق و دقیق از سنن الهی و روابط بین آنهاست که بر مبنای آن، می‌توانیم اولاً، وضعیت حال را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و ثانیاً تحلیل و تبیین خوبی از وقایع آینده داشته باشیم. گفتنی است که رفت‌وبرگشت بین گام سوم و گام چهارم برای تبیین رابطه بین سنن الهی و نحوه مراوده و تعامل آنها براساس وقایع گذشته، باعث کشف هرچه بهتر و دقیق‌تر نظام سنن الهی می‌شود.

نکته دیگر اینکه، تاریخ تمدن‌های گذشته، تاریخ صدر اسلام و به‌دنبال آن، تاریخ معاصر ایران و جهان، می‌تواند در زمینه فهم سنن و نحوه تعامل آنها با یکدیگر، بسیار مفید واقع شود؛ لذا نیاز است که تاریخ، با نگاه سنن الهی مورد تحلیل قرار گیرد. همچنین لازم است سنت‌هایی که در طول تاریخ اتفاق افتاده و چگونگی جاری شدن آنها در تاریخ بررسی شود و نتیجه آن، دسته‌بندی و طبقه‌بندی گردد. این کار بسیار می‌تواند در استفاده از سنن الهی و فهم نحوه جریان و تعامل آنها مفید واقع شود.

البته ذکر این نکته در اینجا نیز مهم است که چگونگی تطبیق یک سنت بر پدیده عینی، بسیار مهم و حائز اهمیت است.

۱. برای توضیحات بیشتر در این خصوص، ر.ک. به گزارش «حکمرانی مبتنی بر نظام سنن الهی» ۱. چستی سنن الهی و ضرورت کاربست آن در نظام حکمرانی» با شماره مسلسل ۱۸۵۴۷ - <https://rc.majlis.ir/fa/report/show.1754206/>



سنن الهی کشف شده است، می‌توان پدیده مورد نظر را تحلیل کرد و آینده آن را تخمین زد. در این راستا، مبتنی بر نظام سنن، می‌توان از آینده، تبیین خوبی داشت و براساس آن، تجویزهایی را برای آینده ارائه داد. می‌توان براساس این نظام سنن، مسائل گوناگون آینده را مورد تحلیل و بررسی قرار داد و در ساخت آینده از آن استفاده کرد. کافی است که بتوان این سنن و نظام حاکم بر آنها را به‌نحو مناسب استخراج کرد. در پرتو فهم سنن، حتی ممکن است بتوان روندهای حاکم بر نظام آفرینش را کشف کرد [۲].

ادعا می‌شود که می‌توان موضوعات گوناگون در عرصه حکمرانی را براساس این روش، تبیین کرد. کافی است، سنت‌هایی که با موضوع مورد نظر ارتباط پیدا می‌کنند را احصا کرده و ویژگی‌ها و شرایط هریک از آنها را به‌طور دقیق استخراج کرد.

اینکه یک پدیده مانند یک بیماری خاص، برای یک قوم به‌عنوان مصداقی از جاری شدن سنت عذاب است و برای قوم دیگر به‌عنوان مصداقی از سنت امتحان و ابتلا و برای قوم دیگر به‌منزله مصداقی از سنت نعمت است، نیازمند دقت و تأمل است و در نگاه ابتدایی، کاری سخت و در برخی موارد، غیرممکن می‌باشد. اما از آنجاکه هریک از سنن الهی در یک چارچوب و شرایطی خاص تحقق پیدا می‌کنند^۱ که در گزاره‌های دینی به آنها اشاره شده است، می‌توان براساس آنها، تطبیق دقیق‌تری از سنن الهی بر پدیده‌های عینی ارائه داد. قرآن کریم یکی از منابع مهم برای درک و شناخت سنن الهی است [۱].

گام پنجم: تحلیل و تبیین پدیده و آینده آن با توجه به نظام سنن الهی

در این گام، در صورتی که بتوان ادعا کرد که تا حد امکان، نظام

۳. منبع کشف سنن الهی و منطق استخراج آنها

نشان می‌دهند. در گام بعد، روایات پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم‌السلام وجود دارد که به‌عنوان منبع جدی در بحث سنن، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. روایات بسیاری وجود دارد که در منابع حدیثی ذکر شده است و بیان‌کننده سنن الهی هستند. با مراجعه به روایات و با نگاه استخراج سنن الهی، این تلقی برای انسان ایجاد می‌شود که اساساً، امامان معصوم علیهم‌السلام به‌دنبال تبیین قوانین تکوینی خلقت بوده‌اند و نوع بیان آنها در روایات، این برداشت را برای انسان تقویت می‌کند. لذا در مسیر احصای سنن الهی، لازم است کل منابع روایی به‌دقت مورد بررسی قرار گرفته و روایاتی که ناظر بر سنن هستند از خلال آنها، استخراج شود.

در همین راستا، ادعیه‌ای که از سوی معصومین علیهم‌السلام صادر شده است، نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع مهم در کشف سنن لحاظ شود. به‌عنوان مثال، صحیفه سجاده دربرگیرنده نکات مهمی در مورد سنن الهی است. در بسیاری از عبارات صحیفه و همچنین سایر ادعیه، شاهد تبیین سنن الهی از سوی معصومین علیهم‌السلام هستیم.

در پیمودن گام اول سنت‌پژوهی، ممکن است سؤال شود که چطور می‌توان به سنن الهی و قوانین حاکم بر خلقت دست یافت؟ چطور می‌توان نظام تدبیر خداوند را استخراج کرد؟ از چه منابعی می‌توان برای کشف سنن الهی استفاده کرد؟ برای پاسخ به این سؤالات در ادامه، منبع استخراج سنن الهی و منطق استخراج آنها بیان می‌شود.

۳-۱. منبع کشف سنن الهی

منابعی که در کشف سنن می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، به‌طور کلی دو منبع وحی و عقل هستند.

■ وحی به‌مثابه منبع کشف سنن الهی

یکی از منابع مهم در بحث سنت، قرآن کریم است. بسیاری از آیات قرآن، به‌بیان قوانین تکوینی خداوند در عالم خلقت پرداخته‌اند. در این راستا، به جرئت می‌توان گفت که حجم بسیار زیادی از آیات قرآن، ناظر بر ارائه سنت است و از درون آنها می‌توان، سنن الهی را کشف کرد. به‌عبارت‌دیگر، غالب آیات قرآن کریم، رابطه ثابتی که خداوند جعل فرموده است،

۱. در گزارش پیشین، به این ویژگی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مشترک سنن الهی پرداخته شد.

را از مجرای علوم بشری فهم کرد و این فهم نیز حجت است و شارع مقدس آن را قبول فرموده و به آن بها داده است. اما باید توجه شود که در علوم بشری و تجربه بشری، با تطور و عدم قطعیت مواجه هستیم و در انتساب یافته‌های عقل بشری از سنن به خداوند تبارک و تعالی، باید احتیاط کرد. بنابراین نمی‌توان به‌عنوان یک مبنای ثابت به این علوم و تجربه بشری تکیه کرد. البته عقل و تجربه اگر در دامن وحی قرار گیرد، خیلی بهتر می‌تواند این سنن را کشف کند. در بسیاری از موارد، عقل به‌کمک نقل می‌آید و گاهی نیز نقل در تقویت عقل، اثرگذار است و سنت‌های الهی را شناسایی و تبیین می‌کنند. لذا این دو، دو بالی هستند که کشف سنن الهی می‌تواند با توجه به آنها، صورت گیرد. به عبارت دیگر، همان قانون ملازمه مشهور «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل» در کشف سنن نیز جاری است.

به‌هر حال اگرچه کشف قوانین طبیعی از طریق خطا و تجربه، خود سنتی است که خداوند متعال در عالم خلقت قرار داده است و از بشر خواسته است که به دنبال کشف این قوانین باشد و بشر می‌تواند براساس تجربه و آزمایش، برخی از این قوانین را، هرچند به‌طور ناقص، کشف کند، اما از طرف دیگر، یک‌سری سنت‌هایی وجود دارد که الهی است و از طریق وحی فهم می‌شود و عقل بشری نمی‌تواند بدون کمک وحی به آنها دست یابد. لذا با استفاده از منبع وحی که امتیازی فوق‌العاده است، می‌توان اولاً به قوانینی که مطابق با حق و حقیقت است و ثانیاً جامع و کامل است، دسترسی پیدا کرد.

البته شاید در گام بعدی بتوان از تجربه بشری برای راستی‌آزمایی «مراتب صحت ادراک سنی که از طریق وحی فهمیده شده است»، استفاده کرد. راستی‌آزمایی، به معنای ارزیابی مراتب صحیح یا غلط بودن فهم ما از آیات قرآن است. در این راستا، حتی می‌توان این‌گونه گفت که تجربه بشری، بینشی به ما عطا می‌کند که به کمک آن، بهتر بتوانیم سنت‌ها را از طریق وحی متمایز کنیم. لذا می‌توان ادعا کرد که تجربه بشری می‌تواند بسیاری از سنت‌های تاریخی را برای ما معنی‌دار کند.

به‌عنوان مثال برای این دسته از سنن (سننی که با عقل و تجربه بشری فهم می‌شوند)، می‌توان به قوانین تکوینی که در علوم طبیعی مانند علم فیزیک و علم شیمی به اثبات رسیده‌اند، اشاره کرد که همه آنها، در صورت کشف دقیق و درست، قانونی تکوینی هستند که خالق هستی آنها را تعریف کرده است. همچنین می‌توان به حوزه فلسفه نظری تاریخ و

با نگاه حداکثری به منابع موجود درباره سنت کاوی، ملاحظه می‌شود که تاکنون در حدود سی و چند سنت، استخراج و تبیین شده‌اند که در مقابل حجم قابل توجه سنت‌های ذکر شده در آیات و روایات، بسیار کم به‌نظر می‌رسد. از این رو، به پژوهش‌های گسترده‌تری در استخراج سنت‌ها، نیاز است. لذا باید برای کشف این سنت‌ها، بارها متن قرآن حکیم و احادیث و ادعیه معصومان، مرور و واکاوی شوند.

نکته مهم در استخراج سنن الهی از این دو منبع وحیانی، تفاوتی است که در احصای سنن از این دو منبع می‌توان قائل شد و آن، تقدم رتبی قرآن در استخراج سنن نسبت به روایات و ادعیه است. به عبارت دیگر، در ابتدا باید چارچوب کلان سنت‌ها را از قرآن استخراج کرده و به‌دست آورد و در گام بعد، این چارچوب به‌دست آمده را با احادیث و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، تکمیل کرد. یعنی آیات قرآن به‌عنوان محور بحث در شکل دادن نظام سنن الهی، مورد لحاظ قرار می‌گیرند و در گام بعد، تکمیل‌کننده این نظام، روایات معصومین علیهم‌السلام است.

گفتنی است که تمام سنت‌های موجود در عالم خلقت، لزوماً در قرآن و روایات ذکر نشده است. بلکه آن دسته از سنت‌هایی در قرآن ذکر شده که جنبه هدایتی داشته - چراکه قرآن کتاب هدایت است (اسراء ۹/-) و در مسیر رشد و کمال انسان و به سعادت رسانیدن اوست. لذا می‌توان گفت که سنت‌های دیگری هم در عالم خلقت وجود دارد که در منابع وحیانی، ذکر نشده است و بشر می‌تواند با عقل و تجربه خود، به آنها دست یابد و آنها نیز مصداقی از سنن الهی هستند. در ادامه عقل و تجربه به‌عنوان دیگر منبع کشف سنن الهی ارائه می‌شود.

■ عقل و تجربه به‌مثابه منبع کشف سنن الهی

عقل و تجربه می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع، در کشف سنن الهی لحاظ شود. دین همه‌چیز را درباره سنن ذکر نکرده و برخی از موارد را به حساب تجربه و کشف عقل گذاشته است. لذا این‌گونه نیست که عقل، هیچ بهره‌ای در کشف سنن نداشته باشد. البته گفتنی است که قوانینی که عقل می‌تواند آنها را کشف کند، قوانینی هستند که در عالم مشهود قرار دارند و نه در عالم غیب. در حوزه عالم غیب، فقط از طریق وحی است که می‌توان این سنت‌ها را کشف کرد.

در نتیجه علاوه بر بیانات شارع، علوم بشری نیز می‌توانند در کشف سنن مفید واقع شوند. می‌توان برخی از سنن تکوینی



قوانین تکوینی تاریخی که توسط اندیشمندان این حوزه مطرح شده است، اشاره کرد.

۲-۳. منطق استخراج سنن الهی

در ادامه بحث گذشته، درخصوص منبع وحی با توجه به اهمیت آن، نکته مهم این است که چگونه می‌توان سنن الهی را از آیات و روایات استخراج کرد؟ چگونه می‌توان گزاره‌هایی را که دلالت بر سنت داشته و بیان‌کننده آن هستند را تشخیص داد؟ در گام بعد، آیا سنت بیان شده، با توجه به انواع سنن الهی، در سطح فردی است و یا در سطح اجتماعی؟ و اگر در سطح فردی است، آیا قابلیت تعمیم به سطح اجتماعی را هم دارد یا خیر؟ و برعکس.

در پاسخ، به‌طور کلی باید گفت، ناظر به خصوصیات ویژه منبع وحی، روش اجتهادی^۱ بهترین روش در کشف سنن الهی از منابع نقلی (قرآن و روایت) است؛ چراکه این نوع متون، متونی خاص هستند و قواعد و منطق خاصی در فهم آنها و استخراج مفاهیم از آنها، وجود دارد که باید بر طبق همان قواعد، در کشف سنن الهی عمل کرد.

اما به‌طور کلی در این بخش، در راستای چگونگی استخراج سنن الهی از قرآن کریم، در ابتدا، قالب‌های ارائه سنن الهی مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه، منطق لفظی استخراج سنن الهی بحث می‌شود و در پایان، ساختارهای لفظی، کلیدواژه‌ها و اسلوب‌های زبانی ارائه سنن الهی، بیان می‌شود.

۱-۲-۳. قالب‌ها و شکل‌های ارائه سنن الهی

به‌طور کلی می‌توان به سه قالب و شکل کلی ارائه سنن الهی در قرآن کریم اشاره کرد:

الف) به‌صورت قضیه شرطیه

در شکل اول، سنن الهی در قرآن، در قالب یک قضیه شرطیه بیان می‌گردد و براساس آن، بین دو پدیده یا دو مجموعه از پدیده‌ها در عالم خارج، ارتباط برقرار می‌شود. قرآن این رابطه را به‌صورت شرط و جزا، با هم متصل می‌کند، به‌صورتی که هر وقت شرط محقق شود، تحقق جزا حتمی خواهد بود [۳]. این شکل از سنن الهی را می‌توان در جای‌جای قرآن و در

سنت‌های گوناگون مشاهده کرد. برای مثال، می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد:

«وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَهَ لَكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» (اسراء/۱۶).

یعنی: چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم، خوش‌گذرانان را وامی‌داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند و در نتیجه، عذاب بر آن [شهر] لازم گردد؛ پس آن را [یکسره] زیر و رو می‌کنیم.

«وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن/۱۶).
یعنی: اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی به آنها می‌نوشانیم.

«وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/۹۶).

یعنی: اگر اهل شهرها و روستاها ایمان می‌آوردند و پروا پیشه می‌کردند، مسلماً [درهای] برکت‌هایی از آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم.

ارائه این‌گونه سنن الهی، ظرفیت بزرگی را برای انسان در شناخت قوانین و اجرای آنها به‌وجود می‌آورد. چراکه در این حالت، انسان با شناخت قوانین، می‌تواند نسبت به جزای شرط در مورد خود تصمیم گرفته و اقدام کند و در هر زمانی که خواست جزا محقق شود، می‌تواند با تحقق شرط، تحقق جزا را به‌دنبالش ایجاد کند و برعکس.

در این شکل از بیان سنن، دو حادثه اجتماعی به‌هم ربط داده می‌شوند؛ به‌شکلی که در مورد زمان تحقق شرط، هیچ‌وقت بحث نمی‌شود. به‌عبارت دیگر، سخن از پدیده نخستین که چه موقع تحقق پیدا می‌کند، مطرح نیست. بلکه فقط اشاره دارد به اینکه اگر شرط (پدیده اول) محقق شود، جزا (پدیده دوم) به‌دنبال آن محقق خواهد شد و هیچ‌گاه شرط از جزا منفک نمی‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که این دسته از سنن الهی، نقش بسیار مهمی در استخراج قوانین علمی و همچنین تربیت انسان، بازی می‌کنند و از همین جا مشخص می‌شود که چه حکمت مهمی در اظهار این دسته از سنن الهی به‌صورت قضیه شرطیه وجود دارد. زیرا خداوند می‌خواهد با توجه دادن به نظام ثابت به‌هم‌پیوسته، نقش انسان و موقعیت او را در این نظام نشان داده و او را به اسبابی که در راه ساختن محیط

۱. روش اجتهادی در اینجا به‌عنوان یک روش در کشف و استخراج علم دینی لحاظ شده است و آن به‌تعبیر آقای عابدی شاهرودی، عبارت است از استخراج مضامین و مدالیل گزاره‌های دینی با تکیه بر مبانی و قواعد برآمده از خود متون دینی یا ضوابط برگرفته از عقل ضروری و یا کاشف‌های دیگری که در شرع مقدس امضا شده‌اند. این روش، بر این مبنای واقع‌گرایانه استوار است که در ورای متن سخن، معنایی واقعی نهفته است که مقصود گوینده بوده و مراجعه مفسر به متن، به انگیزه کشف آن معنای واقعی صورت می‌گیرد، هرچند به‌دلیل محدودیت فهم بشر عادی، امکان خطا در فهم معنا وجود دارد [۷].

به آن وابسته است. مبارزه با این کشش، تنها برای یک مدت کوتاه امکان پذیر است. برای مثال، به قوم لوط این مجال داده می شود تا برای مدت کوتاهی این قانون طبیعی را پشت پا زنند؛ اما وقتی توبه نمی کنند، عذاب می شوند؛ زیرا در طولانی مدت، این رویه موجب می شود که جامعه از بین برود و انسان ها نابود شوند [۳].

به عنوان مثال دیگر از این شکل سنن الهی، می توان به آیه ذیل اشاره کرد که در آن، دین به مثابه یک سنت الهی و به منزله قانونی که از باطن انسان و فطرت او ریشه گرفته است، معرفی شده است:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم/۳۰).

یعنی: پس روی خود را با توجه تمام، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را براساس آن خلق کرده است. آفرینش خدا تغییر پذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

طبق بیان این آیه، دین، سرشت انسان و فطرت الهی است که مردم را بدان سرشته است و خلقت است که هیچ گاه نمی توان آن را تغییر داد. همان طور که نمی توان هیچ بخشی از بخش های انسان را از او جدا کرد، به همین ترتیب هم نمی توان دین را از انسان جدا کرد. به تعبیر قرآن، دین از قبیل چیزهایی نیست که بتوان آن را پذیرفت و یا آن را رد کرد؛ بلکه آن را خلقت غیر قابل تبدیل خداوند در انسان می داند. بنابراین تا انسان، انسان است، دین یک سنت الهی در مورد انسان می باشد. البته این سنت به گونه ای نیست که به هیچ وجه نتوان با آن مقابله کرد؛ بلکه در کوتاه مدت می توان با آن مقابله کرد و برای همیشه انکار دین و چشم پوشی از سنت دینداری ممکن نمی باشد؛ چرا که بر حسب سنت های الهی، به زودی بر منکران دین، عذاب نازل می شود و به زودی دچار کیفر می گردند.

۲-۳. منطق لفظی استخراج سنن الهی

در این بخش منطق لفظی استخراج سنت ها، به عنوان یکی از مهم ترین مباحث در استخراج سنن الهی، مطرح می شود. به طور کلی، در پاسخ به این سؤال که چگونه می توان تشخیص داد که گزاره مورد نظر، دلالت بر سنتی از سنت های الهی دارد؟، چهار مشخصه بیان می شود که در صورت وجود آنها، می توان گفت که گزاره مورد نظر، بیان کننده سنت است. اهمیت این

زندگی اش مؤثر است، هدایت کند. لذا انسان می تواند در پرتو این قوانین طبیعی، به راحتی در جهان تصرف کند [۳]. با جستجوی در سنن الهی، می بینیم که بسیاری از سنن الهی، در این قالب ارائه شده است.

ب) به صورت قضیه قطعی و تحقق یافته

در شکل دوم، سنن الهی در قالب یک قضیه قطعی و منجز، یعنی بدون حالت منتظره و مشروط به تحقق پدیده ای، بیان می شوند. انسان در این شکل نمی تواند به هیچ وجه، شرایط، اوضاع و احوال این قضیه را تغییر دهد؛ زیرا صورت قضیه، به صورت مشروط تعریف نشده است؛ بلکه یک قضیه قطعی است که به صورت تحقق یافته است و نیاز به تحقق شرطی ندارد [۳]. به عبارت دیگر این نوع از سنن الهی، از نوع سنت های مطلق بوده که مشروط به اراده و فعل اختیاری انسان نیست.

برای مثال از این دسته، می توان به دو آیه ذیل اشاره کرد: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/۱۰۵).

یعنی: همانا در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف/۳۴).

یعنی: برای هر امتی اجلی است. پس چون اجل آنها فرا رسد، نه [می توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش. در این دو آیه، به ترتیب اشاره به سنت خلاف خاص و سنت اجل مقدر برای امت دارد که به وضوح در بیان آیه، نشان داده شده است که منوط به تحقق شرطی نیست.

ج) به صورت کشش و گرایش طبیعی

شکل سوم که به شکل جدی مورد تأکید قرآن کریم است، مشتمل بر سنت هایی است که کشش ها و گرایش های طبیعی حرکت انسان در طول تاریخ، مدنظر قرار می گیرند. به عبارت دیگر، یک سری گرایش ها و انگیزه های طبیعی وجود دارند که در حرکت تاریخی و سیر طبیعی انسان مؤثر هستند. خصوصیت این حرکت ها و گرایش ها، آن است که قابلیت انعطاف داشته و گاهی می توان با آنها برای یک مدت کوتاه، انعطاف پذیر برخورد کرد؛ البته نه برای طولانی مدت. برای مثال، می توان به کشش «زناشویی» به عنوان یک سنت الهی اشاره کرد که در طبع انسان نهفته است و ساختمان وجودی انسان



بحث به این دلیل است که این چهار گزاره، به‌منزله شاخصی برای تعیین سنن الهی از گزاره‌های قرآنی و روایی به‌حساب می‌آیند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که در برداشت از قرآن و روایات، اگر:
اولاً: استناد فعلی به خداوند به‌طریق مستقیم، واضح باشد،
ثانیاً: آن فعل بیان‌کننده تکوین باشد و نه تشریع،
ثالثاً: از خود گزاره مورد نظر و یا قرائن دیگری، بتوان تکرارپذیر بودن آن (با تحقق همه شرایط جاری شدن آن سنت)،
همیشگی بودن و مقطعی نبودن آن فعل را استنباط کرد،
رابعاً: سور آن قضیه به‌صورت جزئی نباشد، بلکه کلی باشد.
به‌عبارت دیگر قضیه شکل گرفته، کلیه باشد و نه جزئی.
در این صورت می‌توان گفت که گزاره مورد نظر، دلالت بر سنتی از سنت‌های الهی می‌کند.

سه مشخصه ابتدایی، مقوم ماهیت سنت‌های الهی است. بنا بر مشخصه اول، چون سنن الهی، وجود خود را از خداوند می‌گیرند و به‌عبارت دیگر، سنت‌الله هستند، لذا باید استناد آن فعل به خداوند، مشخص باشد. بنا بر مشخصه دوم، چون مقصود از سنن الهی، سنت‌های تکوینی خداوند در عالم خلقت هستند و نه سنت‌های تشریعی، لذا سنت الهی، باید بیان‌کننده تکوین و هست‌های عالم باشد. همچنین با توجه به ماهیت سنت که یک امر همیشگی، ثابت، تغییرناپذیر و تکرارپذیر است، زمانی به یک گزاره، سنت گفته می‌شود که تکرارپذیر باشد و با وجود شرایط تحقق، آن سنت جاری شود. مشخصه چهارم نیز بیان‌کننده آن است که سور قضیه‌ای که بیان‌کننده سنت است، باید کلی باشد و نه جزئی. به‌عنوان مثال از کلماتی مانند «هر»، «هیچ»، «همه» و یا سورهای «برخی»، «بعضی» و ... [۴]. یعنی باید بتوان آن قضیه را به‌صورت قضیه کلیه بیان کرد و نه قضیه جزئی. در غیر این صورت، قابلیت تعمیم نداشته و در قالب یک قانون و سنت نمی‌توان آن را بیان کرد.

۳-۲-۳. ساختارهای لفظی، کلیدواژه‌ها و اسلوب‌های زبانی ارائه سنن الهی

در این بخش به ساختارهای لفظی و اسلوب‌های زبانی که معمولاً نشان‌دهنده سنت هستند، اشاره می‌شود. همچنین برخی کلیدواژه‌ها که می‌توانند بیان‌کننده سنت باشند نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. اهمیت این بحث به این دلیل است

که می‌توان از این ساختارهای لفظی و اسلوب‌های زبانی، در گزاره‌ها به‌عنوان نشانه و علامت برای پیدا کردن سنت‌ها استفاده کرد.

الف) به کار بردن فعل مضارع، اسم فاعل، صیغه مبالغه و ... در استناد فعل به خداوند

در زبان عربی، فعل مضارع دلالت بر زمان حال و استقبال می‌کند. همچنین وصف‌های شبیه به فعل مضارع، مانند اسم فاعل و صیغه مبالغه نیز دلالت بر زمان حال و استقبال دارند و از این نوع ساختارهای صرفی، استمرار فعل فهمیده می‌شود. لذا اگر فعلی به خداوند در قالب یکی از این ساختارها نسبت داده شود، می‌توان به سنت بودن آن احتمال داد. به‌گفته آیت‌الله جوادی، فعل مضارع وقتی درباره خداوند به کار رود، دلالت بر استمرار فعل الهی دارد. ایشان تصریح می‌کند که مضارع بودن فعل به کار رفته، دلالت بر سنت الهی می‌کند [۵]. به‌عنوان مثال می‌توان به سنت «اجل مقدر» اشاره کرد که در دو آیه ذیل به آن اشاره شده و از ساختارهای فعل مضارع و اسم فاعل استفاده شده است.

«إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (نوح/۴).
یعنی: همانا اجل خدایی هرگاه فرا رسد هرگز تأخیر نمی‌افتد؛ اگر بدانید.

«قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ» (جمعه/۸).
یعنی: بگو بی‌تردید آن مرگی که از آن می‌گریزید، با شما ملاقات خواهد کرد.

همچنین صیغه مبالغه علاوه بر دلالت بر زمان حال و استقبال، دلالت بر کثرت تعداد دفعات انجام فعل نیز دارد. لذا وقتی فعلی به خداوند در قالب صیغه مبالغه نسبت داده می‌شود، به این معنی است که این فعل از خداوند، زیاد تکرار می‌شود و می‌تواند دلالت بر سنت الهی داشته باشد. به‌عنوان مثال می‌توان به سنت «عفو و غفران» اشاره کرد که در آیه ذیل به کار رفته است.

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً» (نوح/۱۰).
یعنی: پس بگویم که از پروردگار خود طلب آمرزش کنید که او همواره بسیار آمرزنده است.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید: «غفار که صیغه مبالغه است، به‌معنای بسیار آمرزنده است و این مطلب را می‌فهماند که علاوه بر اینکه خداوند متعال، کثیرالمغفره است، مغفرت، سنت مستمر او نیز است» [۶].

سعی و تلاش او نیست.

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن/۱۶).
یعنی: [داستان از این قرار است که] اگر آنها بر راه [راست] استقامت ورزند، حتماً آنها را از آب فراوان [و برکات مادی و معنوی] سیراب سازیم.

د) کلیدواژه‌هایی مانند «سنه»، «کلمه»، «قول»، «مثل» و ...
در یافتن سنن الهی از قرآن کریم به کمک کلیدواژه، می‌توان کلیدواژه‌هایی مانند «سنه»، «کلمه»، «قول»، «مثل»، «مثال»، «عبرت»، «ذکر»، «آیه»، «تذکره»، «لعل»، «تعقلون»، «تذکرون»، «کذلک»، «عسی» و همچنین ریشه «آراد یزید» (زمانی که در مورد خداوند به کار می‌رود)، را نام برد. واژه‌های دیگری مانند این واژگان و همچنین واژه‌هایی که مرتبط با قضای خداوند و تقدیر الهی هستند نیز می‌توانند دلالت بر سنت داشته باشند.

موارد ذکر شده در بالا می‌تواند در استخراج سنن الهی به‌طور عام مفید باشد، اما در سنت‌های هر حوزه خاص، باید به دنبال کلیدواژه‌ها و قرائن خاص همان حوزه باشیم. به عنوان مثال در سنن اجتماعی، الفاضلی که اشاره به هویت جمعی دارند، مانند «قریه» و «امه» و الفاظ مشابهی که بر محل سکونت جوامع دلالت دارند، مانند «ارض»، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. همچنین آیاتی که در آنها به رابطه اجتماعی اشاره شده است، می‌توانند دلالت بر سنن اجتماعی داشته باشند [۸]. در همین راستا، برای استخراج سنن اقتصادی، می‌توان از کلیدواژه‌های «رزق»، «انفاق» و مشتقات آنها استفاده کرد. همچنین کلیدواژه‌های «هدی»، «اضلال» و مشتقات آنها، می‌تواند در یافتن سنت‌های فرهنگی و تربیتی مفید باشد.

همچنین سرگذشت اقوام گذشته و داستان‌های تاریخی ذکر شده در قرآن، یک منبع مهم برای کشف سنن الهی به حساب می‌آیند. به عنوان مثال، سوره مبارکه هود از این نوع است که به بیان سرگذشت چند قوم می‌پردازد و کیفیت هلاکت آنها و سنت‌هایی که در مورد آنها اتفاق افتاده است را بیان می‌کند. مثال دیگر، جریان بنی اسرائیل در قرآن است که به بسیاری از سنت‌های الهی که در مورد آنها پیاده شده است، اشاره می‌شود. معمولاً در خلال آیاتی که به نقل سرگذشت اقوام گذشته می‌پردازد، سنت‌هایی که در مورد آنها اتفاق افتاده است، ذکر می‌شود.

در نهایت باید گفت که همه این کلیدواژه‌ها محدود هستند و

ب) اسلوب‌های زبانی «ما کان» و «لم یکن» و مانند آنها
این اسلوب در زبان عربی در جایی به کار می‌رود که نفی اراده و عدم خواستن در انجام فعلی مدنظر باشد و وقتی که در مورد خداوند متعال به کار می‌رود، نفی اراده خداوند در مورد آن فعل، مدنظر است و دلالت بر استمرار داشته و می‌تواند حاکی از سنتی باشد.

به عنوان مثال می‌توان به آیه ذیل اشاره کرد که دلالت بر سنت عفو و غفران الهی داشته و بیان می‌فرماید که آن، شامل برخی از افراد نمی‌شود:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أُزْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» (نساء/۱۳۷).

یعنی: کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند و باز ایمان آوردند، سپس کافر شدند، آن‌گاه به کفر خود افزودند، قطعاً خدا آنان را نخواهد بخشید و به راهی هدایت نمی‌کند.

همچنین می‌توان به آیه ذیل اشاره کرد که دلالت بر سنت «اتمام حجت قبل از عذاب» دارد:

«ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ» (انعام/۱۳۱).

یعنی: این [اتمام حجت] بدان سبب است که پروردگار تو هیچ‌گاه شهرها را به ستم نابود نکرده، درحالی که مردم آن غافل باشند.

به تعبیر علامه طباطبایی: «سنت خداوند این‌گونه نیست که اهل شهرها را قبل از نافرمانی آنها نسبت به دستور او بعد از ابلاغ آن، هلاک نماید و به عذاب خود دچار سازد. عبارت «لم یکن» دلالت دارد بر نفی اینکه این از سنت خداوند است. زیرا خداوند هر کاری را که می‌کند، به مقتضای سنت جاری و صراط مستقیمی است که دارد» [۶]؛ این اسلوب، دلالت بر سنت دارد.

ج) اسلوب زبانی ضمیر شأن

در زبان عربی ضمیر شأن و یا ضمیر قصه، در جایی به کار می‌روند که بیانگر یک داستان، قصه و واقعیت هستند. به عبارت دیگر در ادامه این دو نوع ضمیر، معمولاً واقعیت و حقیقت عالم ذکر می‌شود که می‌تواند به خوبی، بیان‌کننده سنت الهی باشد. به عنوان مثال می‌توان به دو آیه ذیل اشاره کرد که بیان‌کننده سنت الهی هستند.

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹).

یعنی: [داستان از این قرار است که] برای انسان بهره‌ای جز



شامل همه سننی که در قرآن ذکر شده است، نمی‌شوند. چه بسیار سنن دیگری در قرآن وجود دارد که با این کلیدواژه‌ها و اسالیب نمی‌توان آنها را یافت. لذا ضرورت دارد برای استخراج سنن الهی، بارها کل قرآن از ابتدا تا انتها، با موضوع سنن الهی مورد کاوش و بررسی قرار گیرد. همچنین روایات و ادعیه نیز باید مانند قرآن، از ابتدا تا انتهای آن، مورد کاوش و بررسی قرار گیرد و روایاتی که ناظر بر سنن الهی هستند، استخراج شود. به‌عنوان نکته پایانی، لازم به ذکر است که در بحث احصای

سنن الهی از قرآن کریم، باید به‌طور کلی، به سیاق آیاتی که در آنها سنت ارائه شده است، مکی و مدنی بودن آیات، الفاظ به کار رفته برای بیان سنت، جایگاه لفظ در آیه و جایگاه آیه در آن مجموعه و نوع بیان، دقت شود. مثلاً سنت‌هایی که در مورد فرد به کار می‌رود، باید دقت شود که آیا کارکرد اجتماعی دارند یا خیر و در گام بعد، تعمیم آن بر تاریخ و تمدن، آیا امکان‌پذیر است یا خیر؟ البته در روش اجتهادی اگر به‌طور صحیح و دقیق پیاده شود، طبیعتاً تمام این دقت‌ها صورت خواهد گرفت.

۴. نظام سنن الهی



همان‌طور که ذکر شد، با نگاه حداکثری به منابع موجود درباره سنت کاوی، ملاحظه می‌شود که تاکنون در پژوهش‌های موجود در زمینه سنن الهی، حدود سی و چند سنت، استخراج و تبیین شده است. این درحالی است که این تعداد از سنن الهی، در مقابل حجم عظیم سنن الهی که در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام ذکر شده است، بسیار ناچیز است. بنابراین نگارنده بر آن شد تا خود، آیات قرآن کریم را از ابتدا تا انتها مورد بررسی قرار داده و با روش و منطقی که برای استخراج سنن الهی توضیح داده شد، به احصای سنن الهی بپردازد. حاصل این پژوهش، چیزی حدود هفتصد سنت از قرآن کریم است که با مراجعه به روایات، این حجم چند برابر می‌شود. در گزارش‌های بعدی، به ارائه این سنت‌ها می‌پردازیم. ناظر به گام دوم سنت‌پژوهی، سنن الهی، قابل طبقه‌بندی و نظام‌دهی در یک چارچوب و نظام چهار سطحی با عنوان «نظام سنن الهی» هستند. به عبارتی می‌توان برای سنن الهی با توجه به تعدد و کثرت‌شان، یک وجه جمعی بین آنها کشف و استخراج کرد که در یک نظام قابل ارائه باشند. تحلیل و تبیین سنن الهی به‌شکل نظام‌مند، سبب فهم دقیق‌تر آنها و ارائه تحلیل‌ها و تبیین‌های دقیق‌تر از پدیده‌ها براساس آنها می‌شود. زمانی می‌توان تحلیل‌های دقیق براساس سنن الهی ارائه داد که بتوان فهم دقیق و جامعی از نظام سنت‌های الهی داشت. نظام سنن الهی در چهار سطح تعریف شده است. در سطح اول، انواع خرده سنن الهی وجود دارد. مقصود از خرده سنت، سنت‌هایی هستند که از تک‌گزاره‌های قرآنی و روایی به‌دست می‌آیند. همان‌طور که ذکر شد، تعداد این خرده سنت‌ها

به‌عنوان مثال از قرآن کریم چیزی حدود هفتصد سنت و در روایات، حجم بسیار بیشتری را شامل می‌شوند. اینکه آنها به‌عنوان خرده سنت مطرح شده‌اند، به این دلیل است که آنها، سنت‌هایی هستند که در کنار سایر سنت‌ها، بیان‌کننده یک نظام سنت در سطح بالاتری هستند. لذا هر کدام از آنها به‌منزله یک خرده سنت تعریف شده‌اند.

در سطح دوم، نظام سنن مرتبط با خرده سنت‌هاست. توضیح آنکه در فرایند کشف و استخراج سنن الهی از قرآن کریم، این نکته فهمیده شد که هریک از سنت‌ها در چارچوب و شرایط خاصی تحقق پیدا می‌کنند که خود آن چارچوب و شرایط، سنت‌هایی هستند که نحوه جاری شدن سنت اصلی را بیان می‌کنند و سنت اصلی، از مجرای این خرده سنت‌ها جاری می‌شود. لذا هریک از سنت‌های کلان‌تر در سطح دوم، در قالب «سنن مرتبط با...» بیان شده است که بیان‌کننده نظام خرده سنت‌های مرتبط با آن سنت اصلی است. بنابراین در سطح دوم، نظام‌هایی از سنت‌های کلان‌تر و با موضوع و عنوان کلی‌تر را داریم که مرتبط با خرده سنت‌ها در سطح اول هستند.

در نتیجه از کنار هم قرار دادن خرده سنت‌های مرتبط با یک موضوع و عنوان کلی‌تر و کشف نظام و منطق حاکم بر آنها، می‌توان به سنت‌های کلان‌تر در سطح دوم رسید. به‌عنوان مثال در به‌دست آوردن نظام سنت رزق، حدود ۲۴۰ خرده سنت از سطح اول در کنار هم قرار گرفته و «سنن مرتبط با جریان رزق» را در سطح دوم شکل می‌دهند که از کنار هم قرار گرفتن آنها، منطق جریان سنت رزق در عالم هستی تبیین می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، این تعداد خرده سنت رزق، در

ممکن است نظام سنن مرتبط با رزق از سطح دوم، در چند موضوع کلان در سطح سوم، مانند نظام سنن مرتبط با حوزه فرهنگی و نظام سنن مرتبط با حوزه اقتصادی به کار رود.

به طور کلی دسته‌بندی نظام سنت‌ها در این سطح، ناظر به مسائل و موضوعات خارجی بوده و آنها هستند که نظام سنت‌ها را در دسته دوم، در کنار هم قرار می‌دهند و تعریف می‌کنند. در این سطح است که می‌توان از سنن الهی برای تبیین و تحلیل مسائل و پدیده‌های موجود در جامعه استفاده کرد. به عبارت دیگر، تا زمانی که نظام‌های موجود در سطح سوم در کنار هم، ناظر به مسئله موجود مورد تحلیل قرار نگیرند، تحلیل ما از پدیده ناقص است.

در نهایت در سطح چهارم، وجه جمعی را می‌توان برای همه سنن الهی ارائه داد که به نوعی جامع همه سنن الهی است و آن، عبارت است از «نظام سنت رشد»، که از ادغام و جمع‌بندی تمام نظام‌های سنت‌های کلان در سطح سوم به دست می‌آید. گویی تجمیع همه سنن الهی و نظام حاکم بر آنها، در جهت کلی‌ترین و کلان‌ترین سنت خداوند، با عنوان سنت رشد است که هدف جریان کلی سنن الهی را بیان می‌کند. به عبارت دیگر اگر پرسیده شود که کلی‌ترین سنتی که می‌توان ذکر کرد که همه سنن الهی در زیر چتر آن قرار گیرند، چیست؟ در جواب می‌توان گفت که آن، سنت رشد است. یعنی همه سنن الهی و نظام تدبیر خداوند و تمام قوانین حاکم بر خلقت، در جهت رشد انسان و رسانیدن او به حقیقت عبودیت و کمال حقیقی اوست.

گفتنی است که سنخ سطح چهارم با سطوح دیگر متفاوت است؛ چراکه در سه سطح دیگر، سنن الهی با هدف استفاده از آنها در تحلیل و تبیین پدیده‌ها و استفاده از آنها در حل مسائل، دسته‌بندی شده‌اند؛ در حالی که سطح چهارم برای ارائه یک وجه جمع بین سنن الهی ارائه شده است که به نوعی همه سنن الهی در ذیل آن تعریف می‌شوند.

در نتیجه نظام سنن الهی در چهار سطح تعریف می‌شود که در نمودار ۱ نشان داده شده است.

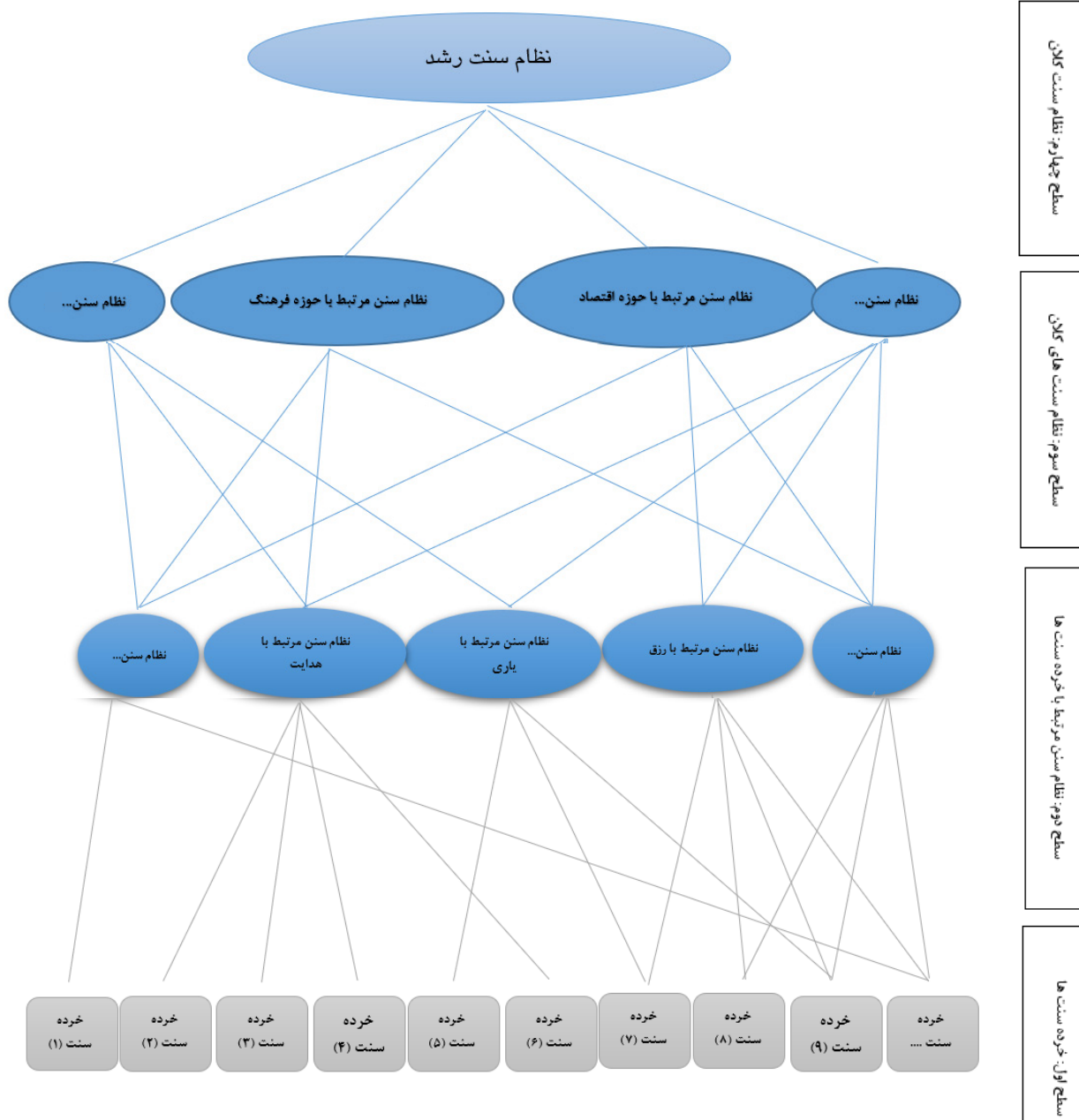
کنار یکدیگر جریان سنت رزق در عالم را نشان می‌دهند که تبیین‌کننده چگونگی رزق دادن به بندگان، توسط خداوند متعال است. اگرچه هریک از خرده سنت‌ها، می‌تواند در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گیرد؛ اما نکته مهم آن است که زمانی می‌توان ادعا کرد که تحلیل‌ها جامعیت داشته و به شکل دقیق صورت می‌گیرد که بتوان نظام حاکم بر آن خرده سنت‌ها را به دست آورد.

گفتنی است، عناوین نظام سنت‌ها در سطح دوم، از آیات و روایات به دست آمده است. به عبارت دیگر، در شکل‌دهی نظام سنت‌ها در این سطح، اجازه داده شده است تا این نظام از درون خود آیات به دست آید. در گزارش بعدی، مروری بر عناوین این نظام سنت‌ها ارائه می‌شود.

همچنین در این گام، طبیعی است که برخی از خرده سنت‌های سطح اول، به صورت تکراری در شکل‌دهی نظام سنت‌های گوناگون در سطح دوم به کار روند. به عبارت دیگر، ممکن است یک خرده سنت در سطح اول، در چند نظام سنن کلی‌تر در سطح دوم به کار رود که در شکل‌دهی جریان آن سنت و تبیین نظام آن، دخالت داشته باشد.

در سطح سوم، ناظر بر مسائل و موضوعات خارجی موجود در عرصه جامعه، نظام سنت‌هایی که در سطح دوم به آن مسئله و موضوع، ارتباط پیدا می‌کنند، دسته‌بندی می‌شوند. به عنوان مثال می‌توان نظام سنت‌های کلان‌تر در این سطح را در عناوین نظام سنن فرهنگی، نظام سنن اقتصادی، نظام سنن دفاعی و نظامی و ... طبقه‌بندی کرد. توضیح آنکه اگر بخواهیم به عنوان مثال، مسئله‌ای را در حوزه فرهنگی، براساس سنن الهی مورد بررسی و تبیین قرار دهیم، نیاز است نظام سنت‌هایی که در سطح دوم قرار دارند و با حوزه فرهنگی ارتباط پیدا می‌کنند را طبقه‌بندی و جمع‌بندی کرده و براساس نظام حاکم بر آنها، مسئله را مورد بررسی قرار دهیم. ممکن است با توجه به موضوع‌های کلی در سطح سوم، عناوینی از نظام سنن در سطح دوم با آن ارتباط پیدا کنند که این عناوین در موضوع‌های کلی دیگر در سطح سوم نیز تکرار شوند. مثلاً

نمودار ۱. نظام سنن الهی



از سنن الهی در هریک از سطوح دوم و سوم است که نحوه جریان سنت‌ها را در آن سطوح نشان می‌دهند. استخراج این منطق و نظام، درعین حال که بسیار ارزشمند است، ولی کاری است سخت و زمان‌بر.

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و ممتاز نظام سنن الهی، جامع‌نگری در طبقه‌بندی سنن و به‌دنبال آن، جامع‌نگری در استفاده از آنها در حل مسائل مختلف است. به عبارت دیگر در نظام سنن الهی، برای حل یک مسئله، صرفاً به چند خرده سنت مرتبط با مسئله، اکتفا نمی‌شود؛ بلکه سعی می‌شود، تمام سنت‌هایی را که با مسئله و موضوع مرتبط است، در نظر گرفته شود و براساس همه آنها و نظام حاکم بر آنها، به مسئله پاسخ داده شود. در طبقه‌بندی سنن در سطوح مختلف نیز این جامع‌نگری در احصای سنن و طبقه‌بندی آنها لحاظ شده است.

برای نظام سنن الهی می‌توان ویژگی‌هایی را بیان کرد؛ از جمله اینکه:

در هر سطحی از این نظام، می‌توان از سنن الهی برای تحلیل و تبیین پدیده‌ها و حل مسائل، استفاده کرد. حتی در سطح اول که خرده سنت‌ها هستند نیز می‌توان از تک‌خرده سنت‌ها، برای تحلیل استفاده کرد و این‌طور نیست که تا زمانی که نظام سنن در سطوح بالاتر به‌دست نیاید، نتوان از سنن الهی استفاده کرد؛ بلکه حتی برخی از مسائل، در سطح اول از سنن، قابل حل هستند و سنن الهی در این سطح نیز کاربردی بوده و مفید واقع می‌شوند. اما نکته تکمیلی آن است که هرچقدر به سطح دوم و سوم، حرکت می‌کنیم، تحلیل‌ها جامع‌تر و دقیق‌تر می‌شود.

از دیگر ویژگی‌های نظام سنن الهی، ارائه یک نظام و منطق

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس سنن الهی، البته کشف و استخراج خرده سنت‌ها در سطح اول و تبیین هرچه دقیق‌تر آنها در قالب نظام در سطوح دوم و سوم این نظام، از کارهایی است که نیاز به تعمیق هرچه بیشتر در بحث سنن الهی داشته و درعین حال، کاری است زمان‌بر و همکاری تیم‌های مختلف پژوهشی را می‌طلبد تا بتوان آن را هرچه دقیق‌تر تکمیل کرد. در ابتدا لازم است که هریک از سنن الهی و شرایط تحقق آن و ویژگی‌های خاص هریک از آنها، به‌نحو دقیق و جامعی احصا و تبیین شده، آن هم نه فقط از آیات قرآن؛ بلکه درعین حال لازم است بارها و بارها، آیات قرآن مرور شده و این سنت‌ها و ویژگی‌های آنها استخراج شود؛ همچنین لازم است تا روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز به همین صورت، مورد بررسی و کاوش دقیق قرار گیرند تا بتوان به تبیین هرچه دقیق‌تر سنن الهی دست یافت. بعد از احصای دقیق سنن الهی، لازم است تا نحوه تعامل بین آنها را با توجه به شرایط و مثال‌های مختلف، مورد بررسی قرار داد و ارتباط بین سنن الهی و کیفیت تعامل بین آنها را کشف کرد. بررسی‌های تاریخی و تحلیل آنها با توجه به سنن الهی، می‌تواند به کشف نحوه تعامل بین سنن الهی کمک کند. با کشف نحوه تعامل سنن الهی با یکدیگر، می‌توان به نظام حاکم بر سنن الهی

این گزارش با هدف کاربست سنن الهی در عرصه حکمرانی تدوین شده است. برای این منظور، روش سنت‌پژوهی به‌عنوان یک روشی نو در عرصه حکمرانی براساس سنن الهی مطرح شد. سنت‌پژوهی به پژوهش درباره سنن الهی و کشف آنها، تبیین شرایط و چگونگی تحقق آنها، طبقه‌بندی آنها و تبیین چگونگی نحوه مرادده این سنن با یکدیگر پرداخته و آنها را در جهت تحلیل و تبیین وقایع آینده معرفی می‌کند. در جهت تحقق گام اول سنت‌پژوهی، منابع کشف سنن الهی مورد بحث قرار گرفته و همچنین منطق استخراج سنن الهی از منبع وحیانی با توجه به جهت کلی این پژوهش، ارائه شد. در جهت تحقق گام دوم و سوم سنت‌پژوهی، نظام سنن الهی با هدف استفاده از سنن الهی برای تحلیل و تبیین پدیده‌ها در عرصه حکمرانی مورد بحث قرار گرفت. این نظام در چهار سطح مطرح شد و بیان شد که استفاده از سنن الهی در هریک از این سطوح، می‌تواند در تحلیل پدیده‌ها مفید واقع شود. اما حرکت از سطوح پایین‌تر به سمت سطوح بالاتر، بر جامعیت در تحلیل و تبیین دقیق‌تر پدیده براساس سنن الهی، می‌افزاید. به‌طورکلی دو وجه در طراحی این نظام لحاظ شده است: ۱. وجه طبقه‌بندی و جمع‌بندی سنن الهی در قالب یک نظام و ۲. وجه حل مسئله و تحلیل پدیده‌ها



دست یافت. بعد از تبیین دقیق نظام سنن الهی، می‌توان از آن در حل مسائل و موضوعات مختلف در عرصه حکمرانی و تبیین وضعیت حال و آینده آنها استفاده کرد.

در انتها گفتنی است که رویکرد سنت‌پژوهی و استفاده از نظام سنن الهی در عرصه حکمرانی به‌عنوان یک نگاه نو و جدید در عرصه حکمرانی، مطرح است و طبیعتاً ارائه توصیه‌ها و پیشنهادهای سیاستی در این عرصه نیاز به تکمیل و تعمیق مباحث در این حوزه دارد. لذا در اینجا به چند توصیه از باب نمونه اشاره می‌شود:

■ سنت‌پژوهی به‌عنوان رویکردی نوین در عرصه حکمرانی، بر توجه به سنن الهی در فرایند حکمرانی اصرار دارد،

■ استفاده از رویکرد سنت‌پژوهی در عرصه حکمرانی در کنار سایر رویکردها، می‌تواند به حکمرانان، جامعیت در تحلیل و راه‌حل‌های دقیق‌تر از جنبه‌ها و ابعاد گوناگون برای حل مسئله

ارائه دهد،
■ نگاه نظام‌مند در استفاده از سنن الهی در عرصه حکمرانی ضرورت دارد،

■ نظام سنن الهی و کاربست آن در عرصه حکمرانی، به‌خصوص ناظر به سطح سوم، می‌تواند راه‌حل‌های دقیق و درعین‌حال جامع‌تری، در زمینه‌ها و مسائل گوناگون حکمرانی ارائه دهد،

■ با استفاده از رویکرد سنت‌پژوهی و در نظر گرفتن نظام سنن الهی، می‌توان روابط علی- معلولی بین پدیده‌ها را با رویکرد فلسفی- دینی در سطوح عمیق‌تر، علاوه بر علل و روابط مادی بررسی کرد. غفلت از این رویکرد و نظام سنن الهی در عرصه حکمرانی، این خطر را در پی دارد که بسیاری از جنبه‌های پدیده مورد بررسی، نادیده گرفته شوند.

منابع و مآخذ



۱. قرآن کریم.
۲. افضلی، علیرضا، پورعزت، علی‌اصغر، گودرزی، غلامرضا (۱۳۹۶)، «سنت‌پژوهی مهدویت: رویکردی نوین به آینده مهدویت»، مشرق موعود، شماره ۴۴.
۳. صدر، محمدباقر (۱۳۹۳)، «سنت‌های تاریخ در قرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم».
۴. خندان، علی‌اصغر (۱۳۷۹)، «منطق کاربردی»، تهران: سمت.
۵. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، «تسنیم تفسیر قرآن کریم»، قم: اسراء.
۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. بستان نجفی، حسین (۱۳۹۰)، «گامی به‌سوی علم دینی (۲)»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. روحانی، تورج (۱۳۹۴)، «سنت‌های الهی در قرآن، منطق استخراج، حوزه‌های تأثیر و ویژگی‌ها»، مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۲۳.

گزیده سیاستی

«سنت پژوهی» می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد نو در عرصه حکمرانی بر اساس سنن الهی مطرح شود. این رویکرد بر نگاه نظام‌مند در توجه به پدیده‌ها و حل مسائل گوناگون بر اساس نظام سنن الهی تأکید داشته و جامعیت در تحلیل و به‌دنبال آن، ارائه راه‌حل‌های دقیق‌تر در حل مسائل و فرایند خدمتی‌گذاری را به ارمان می‌آورد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ ☎ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ ✉ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir